



«۷۲۹»

۱۹۷۰
۱۰/۸

تاریخ مالی ایران

دکتر وزگار صفویان و قاجاریان

(۱۹۲۵-۱۵۰۰) م

نوشته‌ی:

دکتر ویلم فنور

ترجمه:

دکتر ابوالقاسم سرّی

سرشناسه : فلور، ویلم ام. ۱۹۴۲م - Willem M, Floor
 عنوان و نام پدیدآور : تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان (۱۹۲۵-۱۵۰۰) / نوشته ی ویلم فلور؛
 ترجمه ابوالقاسم سری.
 مشخصات نشر : تهران : توس، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۷۲۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۲۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: A Fiscal History of Iran in the Safavid and Qajar Periods 1500-1925, c1998

موضوع : ایران -- اوضاع اقتصادی -- ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
 موضوع : ایران -- اوضاع اقتصادی -- ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.
 شناسه افزوده : سری، ابوالقاسم، ۱۳۱۲ - ، مترجم
 رده بندی کنگره : ADSR/۱۱۷۸ ف ۲۸۲ ۱۳۹۲
 رده بندی دیوید : ۹۵۵/۰۷۱۰۸۱۶ :
 شماره کتابسرای : ۴۴۸۹۸۰۱



تاریخ مالی ایران

در روزگار صفویان و قاجاریان

نوشته ویلم فلور

ترجمه: دکتر ابوالقاسم سری

ویراستار: آرش سری

چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه آرای (توس): ندا جبار

چاپخانه: حیدری

قیمت: ۵۷۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-315-728-9

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۲۸-۹

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر به هر صورت محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

دفتر مرکزی: خیابان دانشگاه، بن بست پورجواد، پلاک ۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

نشانی اینترنتی: www.toospub.com پست الکترونیک: info@toospub.com

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار مترجم
۲۳.....	در بابی از پسنده
۲۵.....	پیشتر سخن (به خامه استاد احسان یارشاطر)
۲۷.....	پیشگفتار
۳۱.....	فصل ۱: اقتصاد سیاسی رزگار صفویان و قاجاریان
۳۱.....	ویژگی‌های نظام سیاسی
۳۳.....	نظام اقتصادی (۱۹۲۵-۱۹۸۰)
۳۴.....	حق مالکیت زمین
۳۵.....	اداره زمین
۳۶.....	قدرت‌های اداره کنندگان زمین
۳۷.....	روستاییان در بند
۳۸.....	تولید و استخراج افزوده
۳۸.....	ویژه گردانی تولید
۴۲.....	وضع شهر
۴۹.....	اندازه‌ی محدود بازار
۵۰.....	دشواری‌های سرمایه‌گذاری
۵۱.....	سطح پایین سرمایه‌گذاری
۶۲.....	تأثیر بر بدعت و نوآوری
۶۵.....	عامل جمعیت‌شناسیک
۶۵.....	سطح بهره‌کشی
۶۹.....	فصل ۲: نقش حکومت صفوی و واگذاری درآمدها
۷۱.....	گسترش ساختار اداری
۷۴.....	نظام پاداش
۷۴.....	واگذاری درآمدها

۷۵.....	تیول.....
۸۶.....	همه ساله.....
۹۶.....	سیورغال.....
۱۰۳.....	وظیفه.....
۱۰۵.....	مقرری، انعام، مددخرج، مدد معاش، مداخل.....
۱۰۷.....	مشمولیت مالیات.....
۱۱۳.....	فصل ۳: ساختار اداری مالی.....
۱۱۵.....	سازمان مالی.....
۱۱۵.....	نظام مرکزی.....
۱۲۸.....	گمارش کارمندان و دستیاران دیوان سالارانه.....
۱۳۰.....	کارمندان دونه پایه تر.....
۱۳۳.....	اداره ولایتی.....
۱۳۸.....	اداره وقف.....
۱۴۲.....	تحصیلداران، احتصالداران و محصلان.....
۱۴۵.....	دستگاه اداری در روزگار افشاریان و زندیان.....
۱۴۶.....	مدیریت مالی: شیوه‌های بودجه‌بندی و سندها: دفترها: ع. م. مالی.....
۱۴۸.....	قانون.....
۱۵۰.....	روزنامه.....
۱۵۱.....	دفتر اوارجه.....
۱۵۲.....	دفتر توجیه.....
۱۵۴.....	دفتر جمع.....
۱۵۷.....	فصل ۴: مالکیت زمین در روزگار صفویان.....
۱۵۹.....	مالک زمین کیست؟.....
۱۶۰.....	طبقه‌های زمین.....
۱۶۱.....	زمین‌های دولتی (ممالک و خاصه).....
۱۶۱.....	خاصه.....
۱۶۸.....	زمین خصوصی یا ملک.....
۱۷۵.....	وقف.....
۱۸۱.....	موات یا زمین مرده.....

فصل ۵: نظام مالی صفویان و افشاریان	۱۸۳
نظریه زمین و مالیات‌بندی حکومت	۱۸۵
مال و جهات یا مالیات کشاورزی و صنعتی: اصطلاح‌شناسی	۱۸۷
سطح مالیات ارضی	۱۹۳
ارزیابی مالیاتی	۱۹۹
میزان بهره‌کشی	۲۰۳
وضع ارباب و دهقان	۲۰۶
مالیات بازرگانی: مالیات بر کسب و بازرگانی	۲۱۲
مالیات صنف	۲۱۵
مالیات‌های سهم‌های نام	۲۲۰
عوارض گزاف (خروج اعشور)	۲۲۵
مالیات بر چارپایان و سانی	۲۳۹
مالیات ضرابخانه	۲۴۳
اجاره بهای سرچشمه‌های صیعی	۲۴۴
تکلیفات و عوارض اضافی	۲۴۶
رسومات، وجوه و حقوق دستمزدها	۲۵۰
عوارض خدمت	۲۶۳
خدمت نظامی	۲۷۴
مالیات‌هایی که در شکل ارمغان بود	۲۷۷
ضبط فرمودن و غنیمت	۲۸۸
مالیات‌های مذهبی	۲۹۰
فصل ۶: دگرگونی و گسترش در سیاست مالی حکومت	۲۹۱
صفویان	۲۹۴
افشاریان	۳۱۵
زندیان	۳۲۷
فصل ۷: نقش حکومت قاجار و واگذاری درآمدها	۳۳۷
گسترش ساختار اداری	۳۳۸
نقش رهبران موروثی محلی	۳۴۲
واگذاری درآمدها	۳۴۹

فصل ۸: ساختار مالی دستگاه اداری و بودجه دولت.....	۳۵۹
اداره مالی ولایتی.....	۳۶۲
اداره مالی ملی.....	۳۶۹
مستوفیان.....	۳۷۸
بودجه سالانه.....	۳۸۲
بودجه سپاه.....	۳۹۰
حقوق شاه یا ملکه.....	۳۹۱
وضعیت پس از ۱۹۰۶.....	۳۹۳
گردآوری مالیات.....	۳۹۴
فصل ۹: ساختار و بخش‌های مالیاتی.....	۴۱۳
ساختار مالیات‌های ملی.....	۴۱۵
مالیات زمین.....	۴۱۷
مالیات کشاورزی.....	۴۱۸
ملک.....	۴۲۷
وقف.....	۴۳۱
ثبوت.....	۴۳۲
خالصه.....	۴۳۶
مالیات آسیاب.....	۴۵۰
مالیات چارپایان اهلی (مراعی و مواشی).....	۴۵۱
مالیات طایفه‌ای (مالیات ایلات).....	۴۵۴
مالیات سرانه.....	۴۵۸
مالیات مستغلات.....	۴۶۱
مالیات کندوهای زنبور عسل.....	۴۶۲
مالیات جنگل‌ها.....	۴۶۴
مالیات مراتع.....	۴۶۴
مالیات آموزش و پرورش.....	۴۶۵
مالیات کارگاه‌های بافندگی.....	۴۶۶
مالیات نظامی.....	۴۶۶
مالیات صنف.....	۴۷۵
گمرک.....	۴۸۳
پیش از ۱۸۲۸.....	۴۸۳

روزگار پس از ۱۸۲۸.....	۴۸۶
عوارض گمرکی و هزینه های محرمه.....	۵۰۱
روزگار ۱۹۲۵-۱۹۰۳.....	۵۰۹
مالیات های نامستقیم دیگر - مالیات تریاک.....	۵۱۶
تعرفه گمرک ها.....	۵۲۱
مالیات الکل.....	۵۲۲
مالیات تنباکو.....	۵۲۵
مالیات کشتار.....	۵۲۶
مالیات فخاری.....	۵۳۰
مالیات مل و دانا یا نواقلی.....	۵۳۱
مالیات ران.....	۵۳۴
مالیات بازار یا بازار یار.....	۵۳۹
مالیات نمک.....	۵۴۰
مالیات های بومی یا ناحیه ای.....	۵۴۰
مالیات قیانداری.....	۵۴۱
مالیات دلالی.....	۵۴۱
مالیات تئاتر (نمایش).....	۵۴۱
مالیات حراج.....	۵۴۲
مالیات سوخت.....	۵۴۲
مالیات میوه.....	۵۴۲
مالیات انبار.....	۵۴۳
مالیات کلک رانی.....	۵۴۳
مالیات بخت آزمایی.....	۵۴۴
مالیات شمیران (باج شمیران).....	۵۴۴
مالیات تلگراف.....	۵۴۵
مالیات اسکله.....	۵۴۵
مالیات پنبه.....	۵۴۵
مالیات سبزی.....	۵۴۵
مالیات جیت.....	۵۴۶
دیگر مالیات ها.....	۵۴۶
مالیات های ویژه.....	۵۴۶

۵۵۹.....	فصل ۱۰: دگرگونی و گسترش در اداره و سیاست مالی.....
۵۶۸.....	فرمانروایی آقا محمدخان.....
۵۶۹.....	فرمانروایی فتحعلی شاه.....
۵۷۴.....	فرمانروایی محمدشاه (۴۸-۱۸۳۴).....
۵۷۸.....	فرمانروایی ناصرالدین شاه.....
۵۷۸.....	روزگار امیرکبیر.....
۵۸۲.....	روزگار مشیرالدوله.....
۵۸۸.....	روزگار امین السلطان.....
۵۹۳.....	روزگار رازی، بیگانه.....
۵۹۳.....	روزگار امیر نودا.....
۵۹۵.....	بحران بیشتر..... بریت.....
۶۰۱.....	مجلس یکم دگرگونی پدید آمدن.....
۶۱۰.....	روزگار شوستر.....
۶۱۴.....	روزگار مورنارد.....
۶۲۵.....	روزگار میلسپو.....
۶۳۵.....	نتیجه.....
۶۳۹.....	۱- بسیج سرمایه.....
۶۴۰.....	۲- انگیزه‌ها.....
۶۴۱.....	۳- بخش درآمد.....
۶۴۵.....	واژه‌نامه.....
۶۷۱.....	کوتاه‌نوشت‌ها.....
۶۷۳.....	کتابنامه.....
۶۸۷.....	نمایه.....
۷۱۷.....	فهرست‌نامه تفصیلی.....

باره‌هایی از نکته‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی کتاب به جای پیشگفتار مترجم

شناخت پیشینه یا تاریخ مالی کشور ایران، شیوه‌های اداره آن در سده‌های گذشته و تاثیر سنگرف آن بر چگونگی زندگانی قشرهای گوناگون باشندگان این فلات جنبه‌ای بسیار چشم‌گیر از تاریخ این کشورست که تا آنجا که می‌دانیم در آن پژوهشی فراگیر و درخشان به شرح دانشوران امروزمین نشده و جای تهی آن نمودار بود.

نویسنده کتاب با بهره‌گیری از نوشتارهای فراوان ایرانی و ایرانی در دسترس از زمان‌های گوناگون، به بررسی پند سده نزدیک این تاریخ از روزگار صفویان تا آغاز پهلویان پرداخته و کشف است نکته‌های ناشناخته و دیرپاب آنرا دمساز با دریافت خویش روشن سازد. این کار آسمان توجه پژوهندگانی را که در پی آگاهی یافتن از چگونگی پیشینه مالی این کشورند به خود جلب خواهد کرد.

این دفتر را از روی نسخه تایپ شده (نه چاپ شده) سالها پیش به پارسی گردانده بودم پس از یکچندی نویسنده با بازبینی و ویراست دوباره با کاستی‌ها و فزونی‌ها دگرش‌ها در آن پدید کرد و باز فرستاد که به ناگزیر این بار نو آنها را در متن آوردم، سپس در پی کاستی یافتن روشنایی امیدوار باشگاهی که اندیشه‌های آرکائیک همراه با خودبینی، خودخواهی و سودپرستی و چه و چه‌ها راه بر پرواز خرد بارور می‌بندد دست‌نشته خود را به گوشه‌ای افکندم چندانکه دیرگاهی در آن گوشه بماند تا سرانجام دانشوری از فرهیختگان فارس با فرستادن یک نسخه از بازپسین ویراست این دفتر به تأکید خواست که دست به زانوی همت این کار را سامانی دهم. بزرگداشت خواست او را یکسال و اندی دیگر هم بر سر آماده ساختن آن گذشت و این‌زمان هم‌چونان روزگاران پیش سپری شد. و شد... فارسی این کتاب افزون بر بازگفت چگونگی وضع مالی ایران در مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و ویژگی‌های

مردمان این روزگاران گویای نکته‌های فراوان است. با توجه به ویژگی‌های کشور ایران در زمینه کشاورزی، اقتصاد و دیگر زمینه‌ها و نبود دانش اقتصاد و سیاست کشورداری؛ بی‌دانشی، خودکامگی و یک‌سالاری فرمانروایان و پس‌ماندگی فرمانبران، چکیده‌عامل‌های بدبختی‌آفرین در زمینه‌های گوناگون از شیوه کار دینویان و رفتارشان با فرمانبران و یا به گفته خودشان «رعایای این روزگاران - چنانکه از نمونه‌هایی که در این کتاب آمده است دریافت می‌شود- اینهاست:

۱- در زمینه کشاورزی روستاییان زیر فرمان و سرپرستی فراگیر سیاسی، اقتصادی و قضایی مالکان بودند که بزرگترین هدفشان در زیر سیطره نگهداشتن و وابسته کردن ایشان به خاک و زمین روستای زیستگاهشان بوده و چه بسا آنان را به گونه کنیزکان یا غلامان و اسیران و برده خود می‌نگریسته‌اند. کشتکاران این روزگاران حق نداشتند که به غیر است خود به هر کجا که می‌خواستند آمد و شد کنند. اربابان که از گروه‌های گوناگون صاحب نفوذ بودند پیوسته از دولت می‌خواستند کشتکاران را به‌زور به زمین‌هایشان وابسته کند. دورشدن کشاورز از روستا اندازه و مرز داشت، در روزگار قاجار قانون جانشین شد، که کشاورزان در بیرون شدن از روستا زادی‌هایی یافتند اما اربابان با زور و بهاک که نشان آنان را به روستا وابسته می‌کردند از این‌رو کشاورزان دستوری نداشتند که پیش از پرداخت اجاره‌هایشان یا در زمان کشت و یا برداشت یا تا زمانی که پیمان‌نامه کارشان بر روی زمین ارباب به سر نیامده از روستا بیرون شوند. در واحدهای تولیدی یا روستایی می‌زیستند که نه تنها مالک آنها نبودند بلکه به تولید و زیستن اجباری در آنها ناگزیر بودند. مالکان که دارای ابزارهای سیاسی، قانونی و توانایی بودند هرگاه به پول نیاز بیشتری داشتند میزان اجاره‌ها را بالا می‌بردند و چون سطح اجاره به دلخواه مالک بالا می‌رفت می‌توانست از سرمایه‌گذاری به شیوه سرمایه‌دارانه خودداری نماید و این کار سدی بزرگ در راه پیشرفت اقتصادی بود و کشاورز اگر نگرینخته یا نتوانسته بود بگریزد یا شود، از بهر زنده ماندن می‌بایست افزایش این بار مالی اجاره را برتابد و در برابر انجام دادن تعهدهایی که در برابر مالک داشت از خوراک خود و چارپایانش بکاهد چون مالک تنها می‌توانست بر مصرف شخصی خود سرپرستی داشته باشد و می‌توانست بر تعهدهایش نسبت به پادستان سرپرستی کند ناچار بود سطح سهم خود از تولید را در هنگام نیاز به زیان کشاورزش بالا برد. از سوی دیگر بازده

کشاورزی شاید از رهگذر رکود و یکسان ماندن شگردهای کشاورزی پیشرفت نکرد و یکسان ماند. نه تنها اعمال تبعیض فرمانروایان نسبت به کشاورزان شکل‌های گوناگون داشت بلکه نوکران حکومت هم در ستمگری و زورستانی هرچه می‌خواستند می‌توانستند کرد. به روزگار صفوی کارآمدان دولت یا دیوانیان دو تا پنج بار بیش از آنچه قرار و قانونشان بود مالیات می‌گرفتند و در روزگار قاجار هم از یک روستا تا چهل و دو گونه مالیات‌های گوناگون گرفته می‌شد. فرمانروا در میان پیروان کیش‌های گوناگون سخت تبعیض روا می‌داشت؛ بدهی همکیشان خود را می‌بخشید و اگر کسی از کیش دیگر به کیش فرمانروا در می‌آمد می‌توانست مرده ریگ بقیه خانواده‌اش را به کیش خود مانده بودند از آن خود کند. کوتاه سخن تولید اندک، بهداشت نامناسب، رفاه اقتصادی و اجتماعی و بهره‌کشی دست به هم داده خشم دهقانان را برانگیخت و توانایی و گرایش آنان را در راه نوآوری و ابتکار خفه و نابود کرد. با این مانع‌های جله‌گیرنده پیشرفت و آبادانی هیچ چیزی که پیشرفت را تشویق کند نبود و هر کوششی در راه پیشرفت کوشنده را آماج خطر می‌ساخت.

۲- بی‌سوادی و ارتباط ناچیز - در به بالای بی‌سوادی، مسافت‌های طولانی، ناکارآمدی پیام‌رسانی و ارتباط ناچیز دریافت جنس‌های بازار را دشوار می‌ساخت و کمک‌چندانی به تولیدکننده نمی‌کرد.

۳- خوگرایی مردم به بردگی و بیدادگسی - سابقین می‌نویسد در دهکده‌ای ویژه که یک سده پیش از مردم آن خواسته شده بود که به پاره‌ای از برای پسر حاکم فراهم کنند هنوز که هنوزست سالانه مبلغی پول به این سادات می‌ریزند.

۴- گسسته‌مزاری و زورستانی عملگاران حکومت‌ها - خدمت‌های ناهار، جیره، رشوه علیق و عوارض دیگر هر ساله بر روی هم مبلغی هنگفت می‌ساخت. کارمندان حکومت در پایان سال این مبلغ را از سهم مالیات ناحیه کم نمی‌کردند از این رو نایب‌الحکومه ناحیه «جز گردآوری آن مبلغ از مردمانی که نمی‌توانستند آن را فراهم کنند چاره‌ای نداشت و مردمان به بصره و هند می‌گریختند» بدین‌سان هر سال دو تا سه بخش از مردم کاهش می‌یافت. فریزر از نمونه‌ای شگفت یاد می‌کند که در آن کارگزاران حکومت مبلغی را به تاوان فرسوده شدن دندان‌هایشان در خوردن خوراکی‌هایی که به رایگان از برایشان فراهم شده بود - به ویژه اگر از آنها خشنودی کامل نداشتند - از مردم می‌گرفتند!

در ایران نوکر در سایه ارباب توانمندی است که در برابر خدمت‌های نوکر به جای پول به او دستوری می‌دهد که دستمزدش را از مردمان تهیدست تربستاند. جیمز سوریه درباره وضع نزدیک سال ۱۸۱۲ می‌نویسد: ما از او (یک کشاورز نزدیک کازرون) پرسیدیم سالانه چه مبلغ عوارض یا مالیات به حکومت می‌دهد؟ پاسخ داد: سالانه؟ ما ماهانه و بارها ماهی دوبار مالیات می‌پردازیم و در پاسخ پرسش ما که مالیات بر چه چیزهایی وضع می‌شود؟ پاسخ داد:

- بر هر چه داریم و افزود: و هنگامی که آنان چیزی نیابند که از آن مالیات بگیرند کودکان ما را می‌گیرند.

- فراش در گرفتن جزیه آزاد بود که هر کار دلش می‌خواهد بکند. به مرد اجازه داده نمی‌شد که به خانه رفت پول را فراهم کند اما بی درنگ تا آنگاه که پول را می‌داد کتک می‌خورد نزدیک سال ۱۸۶۵ فراش گردآورنده جزیه مردی را به سگی بسته به نوبت به هر یک ضربه‌ای می‌زد.

جیمز موریه نوشت: کشاورز - زیر فشار ستم می‌نالده اما بیهوده از ستم شانه تھی می‌کند. هرگونه سخنی از تهیدستی نشنیده اگر اچار دیگر نه، دست کم با چوب و فلک پاسخ داده می‌شود.

بیشتر کشاورزان ناگزیر بودند هر مالیاتی را دوبار یکبار به فرماندار و یکبار به امین مالیه بپردازند.

مردم شهر کرمان به ناچار می‌بایست هر سال ۱۸۰۰۰ من روغن از برای بیوات فراهم کنند که در محل «نسق روغن» خوانده می‌شد.

«در ایران رسم است که هرگاه ایلچی یا آدم مهمی به مأموریتی از طرف شاه ایران یا از برای بازرگانی به این کشور می‌آید از او پذیرایی می‌شود، شاه سلاطین را در اختیارش می‌گذارد تا او را نزد فرمانداران ولایت‌ها ببرند تا هیچ کمبودی نداشته باشد و اگر کشاورزان هم هرچه دارند نیاورند خدا می‌داند که چگونه آنان را کتک می‌زنند! من از رفتار بسیار بدی که با این مردم بیچاره می‌شد هیچ لذتی نمی‌بردم».

کمپفر از رهگذر ارج‌هایی که کارمندان دولت از کیسه خلیفه (جیب مردم) به مهمانان بیگانه می‌گزارده‌اند گمراه شده است، چه با آب و تاب بسیار از مهمان‌نوازی

مردمانی سخن گفته که از روستاها و شهرک‌هایشان از برای خوشامدگویی به ایلچی بیرون می‌آمده‌اند.

نادر که خود را چونان نگهبان ایران پرآوازه ساخت در ۱۷۳۲ فرمانداری‌های بومی را به بهای گزاف به خواستاران فروخت، به مثل اصفهان به هشتاد هزار تومان یا ده هزار تومان بیشتر از پیشتر فروخته شد. فرمانداران تازه از برای جبران پول‌هایی که داده بودند کارهای خود را با زورگویی و زورگیری آغازیدند، مسلمانان اصفهان می‌ایست ۱۰۵۰۰ تومان، ارمنیان هزار تومان و بانیان‌ها پانصد تومان بدهند. این پول‌ها به زور گرفته شد و بسیاری از مردم در زیر چوب و فلک جان سپردند.

در این حال زورگویی‌ها دنبال شد: اصفهانیان به جای بیست و چهار هزار تومان همیشگی به پانجاه هزار تومان ناگزیر گشتند در نتیجه انبوهی از مردم کوچه و بازار و برخی از نجاران هم به گدایی افتادند. در ۱۲ ژوئیه ۱۷۳۳ که محصلان به اصفهان رسیدند بسیار از مردم گریخته بودند اما محصلان سخت‌دل بودند اینان همچنین به مردم گفتند که نرخ تازه نساجی و بهای تازه خوراکی‌ها به سود حکومت سامان می‌یابد. در ماه اوت ۱۷۳۳، معیشتی از مردم اصفهان نود هزار تومان و ده هزار چادر خواست، مردم ناچار بودند که در آنک دو هزار تومان از برای هزینه ریختن توپ‌های تازه‌ای که سپاه نادر نیاز داشت بدهند، اگر کردن این کمک به آهستگی اما بی چون و چرا دنبال شد، کسانی که سهمیه خوشان را نداده بودند سخت کتک خوردند. در ۲۵ نوامبر ۱۷۳۴ تهماسب بیگ جلایر به نادر مرداران بزرگ نادر و فرماندار اصفهان هشت هزار و هشتصد تومان از مردم اصفهان حراست، مردم ناگزیر بودند که توپ‌های نوساز را هم از اصفهان بیرون برند...

چون نادر به اصفهان رسید جزیه بانیان‌ها را سرانه تا پنجاه محمودی کاهش داد از جمله گمرک‌های ورودی ویژه را با این که فرماندارش درخواستن ۲۵۰ تومان پافشاری نموده بود بخشید، اما درست یکسال پس از آن نادر بخشش خود را از یاد برده، فرمود تا دارایی بانیان‌هایی را که در دوازده سال گذشته مرده بودند و وارثانی نداشتند ضبط کنند.

تنها در اصفهان و فارس مردم در رنج نبودند؛ در ۱۷۴۴ اسقف نخجوان نوشت که بخشی از مردم کوچیده، بخشی کشته شده، بخشی از گرسنگی نابود شده و بقیه توانایی رفتن به دنبال دیگران را نداشته و از این رو در نهانگاه‌ها پنهان مانده‌اند. نخستین فرمانی که نادر داد این بود که شماری از گردکنندگان مالیات را به در خانه‌های مردم شهر و حومه اصفهان و جلفا فرستاد - تا اگر اغراق نباشد - از سنگ‌ها هم پول بگیرند.

آزادخان افغان مدعی دیگر پادشاهی نیز با مردم رفتاری همانند نمود؛ او در ۱۷۵۳ پولی بسز کالان و سرسام آورد: «شصت هزار تومان» از مردم اصفهان و جلفا خواست. سپس خاتمی بی‌شمار را به چوب و فلک بسته از دم تیغ گذراند.

نظام حکومت دستوری یافته یا همانا بر این اندیشه ساخته شده بود که صاحبان منصب‌ها باید مردمان قاصد خودشان را در به دست آوردن پول کافی از بهرگذاران خود و طفیلی‌هایشان زیر فشار بگذارند.

مداخل یعنی هر چیزی که کار مردم تواند با گرفتن رشوه با فریبکاری و زورستانی و با ابزارهای معین دیگر بدست آورد. مداخل است نه موجب که هر کارمند ایرانی نگران به دست آوردن آنست.

شاه هم دلبستگی‌اش را به کارهای کشور از دست داده بود، تا زمانی که پول بدست می‌آورد تا آن چه می‌خواست بکند. کارمندان هم آزاد بودند که هر چه می‌خواهند بکنند.

انحصارگرایی فرمانروایان و تعیین قیمت از سوی ایشان

این پادشاه بازرگان است، هیچ کالایی اینجا به شهر آورده نمی‌شود که او به دست وزیرانش جلوش را نگیرد، بدین سان چیزی از سود آن دست بازرگان را نمی‌گیرد او بازرگانانش را می‌شناسد، زیردستانش را ناگزیر می‌سازد که کالاها را به بهای دلخواهش باز خرید کنند.

دخالت شاه عباس یکم در بازار از رهگذر به انحصار خود در آوردن صدور ابریشم خام نیک زبانزدست، بر پایه این انحصار که از ۱۶۱۷ آغاز شد همه ابریشم‌ها می‌بایست به خزانه پادشاهی درآید.